

در باره مستمسک شرعی نپوشانیدن موی سر برای خانم های مسلمان که استفسار فرموده اید توضیح کوتاهی عرض می کنم :

پس از واقعه سپتامبر 2001 برای چند هفته کار در امریکا بر مسلمانان سخت شد و در خیابانها و اماکن عمومی به خصوص به خانم های محجّبه محترمه - که روسری آنان نماد روشن بستگی به جامعه اسلامی و برای دشمن قابل تشخیص و هدف گیری بود - فحّاشی و گاه تعرّض یدی و سنگ پرانی می کردند . کار به جایی رسیده بود که دربلد دانشگاهی آمین و شهر فوق متمدن پرینستون ، همسر من به ملاحظه احتمال شنیدن سخنی نا محترمانه از خانه بیرون نمی رفت تا جایی که جمعی از محترمات طراز اول شهر پیام دادند که به حالت اجتماع به منزل ما می آیند و ایشان را در میان گرفته به بازار می برند . در هاروارد هم در یک روز کلیه دانشجویان دختر که شمار آنان نزدیک به ده هزار بود همه با روسری به دانشگاه رفتند . در آن ایام محنت ، برخی از علماء سعودی در پاسخ سؤال مسلمانان از وظیفه شرعی خود در این شرایط ، آنان را ملزم به ترک امریکا و مهاجرت به بلاد اسلامی دانستند . در حالی که بیشتر این مسلمانان سالها بود در امریکا اقامت داشتند و محترمانه زندگی می کردند و در آن جا صاحب اولاد و املاک و اموال شده بودند و بچه هاشان بزرگ شده ، حالا در مدارس درس می خواندند یا دارای شغل و خانواده شده بودند و الزام آنان به مهاجرت به جای دیگر برای آن خانواده ها موجب متلاشی شدن زندگی و عُسر و حرج شدید بود . با ملاحظه این شرایط ، تعدادی از علمای اهل سنت - به خصوص آنان که خود در غرب مقیم بودند و بینش روشن تری از وضعیت داشتند - فتوا دادند که بر اساس اصل وجوب حفظ حرمت مسلمان که مورد اتفاق نظر همه مذاهب اسلامی است در صورتی که مهاجرت از امریکا به دلائل شخصی موجب عُسر و حرج شدید یا ضرر غیر قابل تحمل باشد ، در مواردی که خروج از خانه الزامی است زنان مسلمان می توانند به مقدار ضرورت روسری خود را بردارند که این البته ربطی به پوشش واجب شرعی در نماز و در مجامع خانوادگی با حضور غیر محارم و مانند آن ندارد .

چندی بعد مرحوم آیت الله منتظری هم در مورد دانشجویان دختر در فرانسه فتوای مشابهی دادند و شنیده شد که مرحوم علامه فضل الله نیز در لبنان نظر مرحوم منتظری را تأیید کرده اند . سپس فتوایی از آیت الله مکارم شیرازی نقل شد که چون اولویت جامعه اسلامی پیشرفت علمی است برای دختران و خانم هایی که در بیرون از جامعه اسلامی در کارهای علمی هستند اگر رعایت پوشش سر اشکالی تولید می کند یا مؤسسات علمی به این بهانه که اینان وابسته به تروریستها هستند به آنان اجازه کار و تحقیق نمی دهند اینان می توانند روسری خود را در محل کار بر دارند . مبنای این دو فتوای شیعی ، اولویت مصالح عالیّه جامعه اسلامی با دیدی وسیع و آینده نگر بود بر خلاف فتوای علماء اهل سنت که اولویت حفظ حرمت مسلمان را مورد توجه قرار داده بود . اما هیچ یک در اصل حکم وجوب حجاب بر زن مسلمان و شمول آن نسبت به موی سر سخنی نداشت .

مدتی بعد دو تن از شاگردان مرحوم آیت الله منتظری که از ایشان اجازه اجتهاد داشتند با استدلال به برخی منقولات تاریخی، مطرح کردند که کلاً حکم حجاب، شامل موی سر نمی شود چون «جُلُبَاب» - که ذکر آن در این مورد در قرآن کریم، آیه 59 سوره احزاب آمده - تن پوشی بوده برای پوشانیدن بدن از گردن به پایین. آن زمان از بنده کمترین نیز در این باب سؤال شد که به روش سنتی خود در پاسخ نوشتم: جز در مورد لباس حج و لباس دفن، سایر مقررات شرع در باره پوشاک - از جمله حکم پوشش سر برای خانم ها - را (به صراحت «ذلک أدنی أن يُعرَفَن فلا يُؤَدِّين» در آیه مبارکه سوره احزاب، به جای ارجاع به مصلحت مولوی نفس الامری) از احکام ارشادی و اجتماعی اسلام می دانم که تداوم لزوم آن تابع بقاء مِلاک حکم - یعنی حفظ حرمت زن مسلمان و در امان ماندن او از آزار نابکاران - و استمرار شرایط است. اما در روزگار حاضر پوشش سر، نماد شناخته شده جهانی زن مسلمان است پس حفظ و تداوم آن در جهانی که همه ادیان و مکاتب به نمادهای فرهنگی و اجتماعی خود شناخته می شوند ضروری است. مگر آن که اضطرارهایی از آن گونه که اکل میته را مباح می کند، یا موجب وجوب تقیه می شود، و یا حصول عُسر و حرج شدید فردی یا نوعی، موجب پیش آمدن وظیفه ای دیگر شود.

بسیاری از خانم های مسلمان در غرب از مجموعه این نظرات و فتاواها برداشت کردند که رعایت پوشش سر، آن گونه که در جوامع سنتی اسلامی شنیده بودند جزء احکام مسلم شرع نیست و فتوای مراجع بر اساس احتیاط یا رعایت سنت جامعه مذهبی بوده و نه وجوب قطعی شرعی. من چنان که گفتم با این برداشت موافق نیستم اما کسانی را هم که چنین برداشتی از مجموعه فتاوا و نظرات آن علما و بزرگان داشتند سرزنش نمی کنم. ایشان اگر صادقانه به این درک و نظر رسیده باشند پیش خدا عذر و استدلال خود را دارند. اگر کسی باید پیش خدا جواب بدهد علما و مراجعی هستند که فتح این باب را کردند (که طبعاً آنان نیز اگر در اجتهاد خود ضوابط را رعایت کرده باشند عذر و پاسخ خود را در درگاه حق دارند) نه کسانی که از بطون منابع فقه و اصول خبر ندارند و فقط اختلاف فتاوی علما را می بینند. به این دلیل بود که من گفتم «مستمسک شرعی» و نه «حجت شرعی». میان این دو اصطلاح فرقی است که اهل فن میدانند.

حسین مدرسی طباطبائی

پرینستون - 30 تیرماه 1396